**«در محضر مرجعیت»**

**سلسله جلسات علمی حضرت آیت الله العظمی شیرازی دام ظله در ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 (جلسه دهم)**

دهمین نشست علمی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله در شب های ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 با حضور جمعی از شخصیت های علمی، نمایندگان مراجع عظام تقلید، فعالان دینی و فرهنگی و طلاب علوم دینی، در شامگاه روز دوشنبه نهم رمضان المبارک ۱۴۴6 در بیت مرجعیت شهر مقدس قم برگزار شد.

مشروح مباحث مطرح شده در این نشست به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم، وله الحمد

(۱) پرسش: شیوۀ صحیح نذر کردن چیست؟ و آیا در وجوب عمل به نذر، تفاوتی میان نذر منجز و معلق می‌باشد؟

پاسخ: نذر، التزام انسان نسبت به انجام یا ترک عملی برای خداوند است؛ به این معنا که انسان کاری خیری را که انجام آن بهتر است بر خود واجب کند یا کاری را که ترک آن بهتر است برای خداوند ترک نماید.

نذر باید با صیغه همراه باشد و ذکر نام خداوند در آن ضروری است؛ اما لزومی ندارد صیغه نذر به زبان عربی خوانده شود. بنابراین، اگر بگوید: «بر من است که برای خدا یک روز روزه بگیرم» یا «اگر بیماری‌ام خوب شود، بر من است که یک روز برای خدا روزه بگیرم»، نذر صحیح خواهد بود.

به بیان دیگر، نذر، عهد و یمین تابع نیت ناذر، عاهد و صاحب یمین است و شخص موظف به اجرای نذر، عهد و یمین مطابق نیتی است که داشته، چه نذر منجز باشد و چه معلق.

(۲) پرسش: کفاره حنث نذر، یمین و عهد چیست؟

پاسخ: کفاره این موارد محل اختلاف میان فقهاست؛ اما به نظر می‌رسد کفاره حنث نذر، یمین و عهد عبارت است از: 1ـ سیر کردن ده فقیر یا پوشاندن آنان. 2ـ در صورت عدم امکان، سه روز روزه گرفتن.

لازم به ذکر است که رعایت ترتیب میان این کفارات واجب است.

(۳) پرسش: آیا تمامی انسان‌ها خلیفه خدای متعال روی زمین هستند؟

پاسخ: واژۀ «خلیفه» به معنای نماینده است. تمامی انسان‌ها از جهاتی نمایندۀ خدای متعال محسوب می‌شوند، اما در معنای خاص، «خلیفه» به جانشینی خداوند بر زمین با مسئولیت مستقیم اطلاق می‌شود که ناظر به انبیا و چهارده معصوم علیهم‌السلام است.

همان‌گونه که در زیارت امیرالمؤمنین علیه‌السلام وارد شده: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ» (الکافي، ج4، ص570؛ تهذیب الأحکام، ج6، ص29). همچنین در روایات متعدد بیان شده است که اهل بیت علیهم‌السلام خلفای الهی بر روی زمین هستند (ر.ک: الکافي، ج1، ص193؛ بحار الأنوار، ج24، ص163، باب 48).

(۴) پرسش: آیا موجوداتی شبیه انسان قبل از خلقت حضرت آدم علی نبینا وآله وعلیه‌السلام وجود داشته‌اند؟

پاسخ: در این مورد روایاتی از ائمۀ اطهار علیهم‌السلام وارد شده است. مرحوم علامه مجلسی این روایات را به‌طور مفصل در بحار الأنوار آورده است (ر.ک: بحار الأنوار، ج54، ص316، باب 2).

(۵) پرسش: ثمرۀ عملی نوع رابطه اطلاق و تقیید، که ملکه و عدم ملکه است یا تناقض است، چیست؟

پاسخ: این بحث صرفاً جنبه علمی دارد و در فقه، ثمرۀ عملی مشخصی ندارد.

(۶) پرسش: اگر شخصی ثقه بعد از اتمام نماز جماعت بیان کند که نماز جماعت یک رکعت کمتر خوانده شده است، وظیفه چیست؟

پاسخ: این مسئله دو صورت دارد:

1. اگر از گفتۀ آن شخص علم حاصل شود، نماز باطل است و باید اعاده گردد.

2. اگر از گفتۀ آن شخص علم حاصل نشود:

الف) اگر قول ثقه در موضوعات حجت باشد، اعادۀ نماز لازم است.

ب) اگر قول ثقه در موضوعات حجت نباشد و تنها در احکام حجت باشد (که مبنای صحیح این است)، اعادۀ نماز لازم نیست.

(۷) پرسش: آیا در ذبح تعدادی مرغ باید برای ذبح هر مرغ به‌صورت جداگانه «بسم الله» گفته شود؟ پاسخ: اگر هم‌زمان تعدادی مرغ را ذبح کنند، لزومی ندارد که نام خدا به‌صورت جداگانه برای هر مرغ ذکر شود؛ بلکه ذکر باید به گونه‌ای باشد که عرفاً گفته شود تمامی آن مرغ‌ها با نام خدا متعال ذبح شده‌اند. اما اگر هر کدام از آن‌ها به ترتیب ذبح شوند، برای ذبح هر کدام یک «بسم الله» لازم است.

(8) پرسش: اگر پسری مدعی شود پدر را برای ازدواج وکیل نکرده است و پدر ادعای وکالت داشته باشد، کلام چه کسی معتبر است؟

پاسخ: در این حالت، پدر مدعی وکالت است و پسر منکر آن، و به آن تداعی می‌کنند. برای اثبات وکالت، بر پدر واجب است بینه اقامه کند.

اما در مورد طلاق آن خانم، برخلاف فرمایش شهید در «لمعه» که فرموده است: «بگوید: إن کان فلانة زوجتی فهی طالق»، بنابر مشهور نمی‌توان طلاق را به‌صورت معلق جاری کرد. بلکه باید طلاق به‌صورت منجز جاری شود، به این‌گونه که بگوید: «زوجتی فلانة طالق».

(9) پرسش: آیا مرد می‌تواند در دوران عده طلاق خلع زن سابق خود با خواهر او ازدواج کند؟

پاسخ: خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (النساء: 23).

بر اساس آیۀ شریفه و روایات معتبر، مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «إذا تزوج بإحدى الأختین ثمَّ طلقها طلاقاً رجعياً لا يجوز له نکاح الأخرى إلا بعد خروج الأولى عن العدة. أما إذا كان بائناً، بأن كان قبل الدخول، أو ثالثاً، أو كان الفراق بالفسخ لأحد العيوب، أو بالخلع أو المباراة، جاز له نکاح الأخرى. و الظاهر عدم صحة رجوع الزوجة في البذل بعد تزويج أختها، كما سيأتي في باب الخلع إن شاء الله. نعم، لو كان عنده إحدى الأختین بعقد الانقطاع و انقضت المدّة، لا يجوز له على الأحوط نکاح أختها در عدتها و إن كانت بائنة للنص الصحيح. و الظاهر أنه كذلك إذا وهب مدتها و إن كان مورد النص انقضاء المدة» (العروة الوثقی، ج۴، ص۳۲۰، فصل در المحرمات بالمصاهرة، مسأله ۴۸).

البته اینکه صاحب عروه فرموده‌اند: «لا يجوز له على الأحوط»، به نظر می‌رسد مبتنی بر احتیاط اولی باشد. و نیز اینکه فرموده‌اند: «للنص الصحيح»، مشهور از این نص اعراض نموده‌اند؛ لذا این نص منجز نیست.

به بیان دیگر، بر اساس این فراز از آیۀ شریفه: ﴿وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ﴾، جمع بین دو خواهر حرام است. در طلاق خلع، چون مرد نمی‌تواند به زن سابق خود رجوع کند و علقۀ زوجیت منقطع شده است، ازدواج با خواهر او اشکالی ندارد. اما در طلاق رجعی، زن تا پایان عده حکم زوجه را دارد و ازدواج با خواهر او حرام است.

(10) پرسش: حکم شک در تعداد رکعت‌ها و رکوع‌های نماز آیات چیست؟

پاسخ: اگر در نماز آیات شک کند چند رکعت خوانده و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است. و اگر شک کند که در رکوع آخر رکعت اول است یا در رکوع اول رکعت دوم و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است.

اما اگر مثلاً شک کند که چهار رکوع انجام داده یا پنج رکوع، چنانچه به سجده نرسیده باشد، باید رکوعی را که شک دارد، به جا آورد. و اگر به سجده رسیده باشد، به شک خود اعتنا نکند. لازم به ذکر است که هر یک از رکوع‌های نماز آیات رکن است و اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل می‌شود.

مرحوم صاحب عروه در این خصوص می‌فرماید: «هذه الصلاة حيث إنها ركعتان حكمها حكم الصلاة الثنائية في البطلان إذا شك في أنه في الأولى أو الثانية و إن اشتملت على خمس ركوعات في كل ركعة. نعم، إذا شك في عدد الركوعات كان حكمها حكم أجزاء اليومية في أنه يبنى على الأقل إن لم يتجاوز المحل و على الإتيان إن تجاوز و لا تبطل صلاته بالشك فيها. نعم، لو شك في أنه الخامس فيكون آخر الركعة الأولى أو السادس فيكون أول الثانية بطلت الصلاة من حيث رجوعه إلى الشك في الركعات» (العروة الوثقی، ج2، ص244، فصل فی صلاة الآیات، مسأله 6).

و نیز فرموده است: «الركوعات في هذه الصلاة أركان تبطل بزيادتها و نقصها عمداً و سهواً كاليومية» (العروة الوثقی، ج2، ص244، فصل فی صلاة الآیات، مسأله 7).

البته ممکن است گفته شود که در مورد تعداد رکوع‌های نماز آیات، استصحاب جاری می‌شود، چراکه شخص یقین دارد تعداد مشخصی از رکوع‌ها را انجام داده و اکنون در عدد بعدی تردید کرده است.

در پاسخ باید گفت: وقتی شخص شک دارد که در رکوع چهارم یا پنجم است، یقین دارد که چهار رکوع انجام داده است؛ لذا یقین سابق موجود است.

همچنین ممکن است گفته شود طبق روایات، فرد در صورت شک باید بنا را بر بیشتر بگذارد (وسائل الشيعة، ج8، ص212، باب 8).

در پاسخ گفته می‌شود: این حکم مربوط به رکعت‌های نماز واجب است، نه رکوع‌های نماز آیات.

(11) پرسش: آیا «بسم‌الله الرحمن الرحیم» به‌تنهایی می‌تواند به‌عنوان قرائت قبل از رکوع نماز آیات ذکر شود؟

پاسخ: بر اساس اطلاق روایات، مشهور فقها این امر را پذیرفته‌اند و کافی دانسته‌اند.

در برخی از روایات، «بسم‌الله الرحمن الرحیم» به‌عنوان بزرگ‌ترین آیه نزد خدای متعال معرفی شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «مَا لَهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ عَمَدُوا إِلَى أَعْظَمِ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَزَعَمُوا أَنَّهَا بِدْعَةٌ إِذَا أَظْهَرُوهَا وَهِيَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ» (بحار الأنوار، ج۸۲، ص۲۱؛ ج۸۹، ص۲۳۸، ح۴۰).

(12) پرسش: آیا همان‌گونه که خواندن بیش از هفت آیه مکروه است، با توجه به اینکه امر به صلوات در آیۀ ۵۶ سورۀ مبارکۀ احزاب وارد شده، بیش از هفت صلوات فرستادن نیز برای شخص جنب مکروه است؟

پاسخ: صلوات قرآن نیست، بلکه دعا است و کراهتی در تکرار آن برای شخص جنب وجود ندارد.

البته هفت مرتبه تکرار این آیۀ شریفه: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (الأحزاب: ۵۶)، در حال جنابت مکروه است.

(13) پرسش: آیا تیمم در صورتی که برای وضو تنها به اندازۀ یک نفر آب موجود باشد، باطل است؟

پاسخ: مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «إذا وجد جماعة متیممون ماءً مباحاً لا یکفي إلا لأحدهم، بطل تیممهم أجمع إذا كان في سعة الوقت، وإن كان في ضيقه بقي تیمم الجميع. وکذا إذا كان الماء المفروض للغير وأُذن للكل في استعماله، وأما إن أُذن للبعض دون الآخرين، بطل تیمم ذلك البعض فقط. كما أنه إذا كان الماء المباح كافياً للبعض دون البعض الآخر لكونه جنباً ولم يكن بقدر الغسل، لم يبطل تیمم ذلك البعض» (العروة الوثقی، ج۱، ص۴۹۶، فصل في أحکام التیمم، مسأله ۲۲).

البته اینکه ایشان فرموده‌اند: «بطل تیممهم أجمع»، به نظر می‌رسد بطلان تیمم ظاهراً به کسی اختصاص دارد که عقلاً و شرعاً تمکن از استعمال آب داشته و آب را نیز به‌جهت وضو استعمال کرده است. اما اگر هیچ‌یک از افراد وضو نگرفتند و آب باقی ماند، تیمم همۀ ایشان باطل است. حکم صورتی که مالک آب اجازۀ استعمال آن را داده نیز همین‌گونه است.

(14) پرسش: آیا شخصی که به نیت قضای نماز پدر و مادر مرحومش احتیاطاً نماز می‌خواند، می‌تواند امام جماعت شود؟

پاسخ: اگر یقین داشته باشد نمازی که به جا می‌آورد قضا شده است، می‌تواند امام جماعت شود. در غیر این صورت، باید به صورت «ترامی النیة» قصد کند، به‌گونه‌ای که قطعاً مشخص باشد نمازی که می‌خواند، به‌صورت قضا است.

ممکن است گفته شود بدون نیاز به «ترامی النیة»، شخص می‌تواند نیت اعادۀ نماز والدینش را کند، و در این صورت نماز قطعی خواهد بود.

در پاسخ گفته می‌شود: مسئلۀ اعادۀ نماز خود شخص اختلافی است و تنها در برخی موارد اتفاقی است، همچون وقتی که نماز فرادا به جا آورده و قصد اعادۀ آن به جماعت را دارد. در مورد نماز پدر و مادر، فقها عدم خصوصیت را برداشت نکرده‌اند؛ بنابراین به این صورت، جماعت تصحیح نمی‌شود.

(15) پرسش: آیا نبش قبر میت و نیز جابه‌جا کردن جنازۀ میت اگر فقط استخوان‌هایش باقی مانده باشد، جایز است؟ و در صورت جواز، آیا تلقین دوم لازم است؟

پاسخ: جابه‌جایی قبر به مکان افضل جایز است، اما به مکان مساوی جایز نیست. همچنین در صورت جابه‌جایی عظام، تلقین دوم انجام نمی‌شود، ولی ایرادی ندارد؛ زیرا یادآوری برای میت است و سخن گفتن با میت بی‌فایده نیست. همان‌گونه که از ادلۀ فراوان استفاده می‌شود، مانند روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که می‌فرمایند: «مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعَ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُجِيبُونِي» (بحار الأنوار، ج۱۹، ص۳۴۶).

مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «یحرم نبش قبر المؤمن وإن كان طفلاً أو مجنوناً، إلا مع العلم باندراسه وصیرورته تراباً ولا يكفي الظن به. وإن بقی عظماً، فإن كان صلباً ففي جواز نبشه إشكال. وأما مع كونه مجرد صورة بحيث يصیر تراباً بأدنى حركة، فالظاهر جوازه» (العروة الوثقی، ج۱، ص۴۳۲، فصل در مکروهات الدفن، مسأله ۶).

البته اینکه ایشان فرموده‌اند: «قبر المؤمن»، به نظر می‌رسد مطلق مسلمان این حکم را دارد. و اینکه فرموده‌اند: «فالظاهر جوازه»، به نظر می‌رسد اظهر عدم جواز باشد.

(16) پرسش: آیا تبدیل گوسفند نذری به نوع بهتر جایز است؟

پاسخ: اگر نذر معین باشد، تبدیل آن جایز نیست. اما اگر نذر کلی باشد، جایگزینی گوسفند با گوسفندی بهتر مجاز است. بااین‌حال، نمی‌توان گوسفند را به گوساله جایگزین کرد.

(17) پرسش: آیا نیت نماز آیات در زمان باز شدن خورشید یا ماه باید ادا باشد یا قضا؟

پاسخ: از زمانی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند، انسان باید نماز آیات بخواند و بنابر احتیاط مستحب، به قدری تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند.

پس اگر خواندن نماز آیات را به قدری تأخیر بیندازد که آفتاب یا ماه شروع به باز شدن کند، بنابر احتیاط مستحب، نماز را تنها به قصد قربت بخواند و نیت ادا یا قضا نکند. اما اگر بعد از باز شدن کامل آن نماز بخواند، به نیت قضا اکتفا می‌شود.

(18) پرسش: آیا در نذر وفا به نذر واجب است یا منذور واجب می‌شود؟

پاسخ: بنابر مشهور فقها، وفای به نذر واجب است، نه اینکه منذور واجب شود. ثمرۀ عملی این بحث در مواردی مثل نذر نماز شب نمایان می‌شود؛ زیرا وفای به نذر واجب است، اما نماز شب واجب نمی‌شود و بر تمام احکام مستحب خود، همچون جواز اتیان آن به‌صورت نشسته، باقی می‌ماند.

(19) پرسش: آیا تذکر دادن به شخصی که سهواً مفطری انجام می‌دهد، لازم است؟

پاسخ: تذکر موضوعات واجب نیست، مگر در موضوعات مهم، مانند جلوگیری از کشته شدن کسی به‌جای دیگری.

در مورد شخص روزه‌داری که سهواً مفطری را مرتکب می‌شود، نهی از منکر ضرورت ندارد؛ زیرا ارتکاب مفطر سهوی، منکر محسوب نمی‌شود.